

خدا، فلسفه، دانشگاه

■ السدير مک اينتاير ■

مترجمان: عرفان مصلح، عطا حشمتی

www.ketab.ir



نقد فرهنگ

۱۴۰۰

• سرشناسه: مک‌اینتایر، السدر سی.، ۱۹۲۹ م. - MacIntyre, Alasdair C.

• عنوان و نام پدیدآور: خدا، فلسفه، دانشگاه/ السدر مک‌اینتایر؛ مترجمان عرفان مصلح، عطا حشمتی.

• مشخصات نشر: تهران: نقد فرهنگ، ۱۳۹۹.

• مشخصات ظاهری: ۲۷۰ ص؛ ۲۷/۵×۱۴/۵ س.م.

• شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۶۸۲-۶۷-۱

• وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا

• یادداشت: عنوان اصلی:

God, philosophy, universities : a selective history of the Catholic philosophical tradition 2009.

• موضوع: کاتولیک (مذهب) و فلسفه - تاریخ؛ فلسفه - راهنمای آموزشی - تاریخ؛ دانشگاه‌ها و مدارس

عالی - برنامه‌های درسی - تاریخ؛ دانشگاه‌ها و مدارس عالی کاتولیک - برنامه‌های درسی - تاریخ

• شناسه افزوده: مصلح، عرفان، ۱۳۶۸ - مترجم؛ حشمتی، عطا، ۱۳۶۷ - مترجم

• رده‌بندی کنگره: BX۱۷۹۵

• رده‌بندی دیویی: ۱۴۹۸

• شماره کتابشناسی ملی: ۷۵۳۸۸۲

نقد فرهنگ

 @naqdefarhangpub  www.naqdefarhang.com  naqdefarhangpub

نشانی: پردیس، میدان عدالت، خ فروردین جنوبی، خ سعدی، مجتمع قائم ۱، بلوک A2، واحد ۲۰۳

تلفن: ۷۶۲۷۶۷۴۸ | مراکز پخش: ۰۹۶۶۴۶۰۰۷، ۰۷۶۶۹۶۷۰۰۷، ۰۳۵۴۸۶۵۳۵

• نام کتاب: خدا، فلسفه، دانشگاه

• نویسنده: السدر مک‌اینتایر

• مترجمان: عرفان مصلح، عطا حشمتی

• نوبت چاپ: چاپ اول • سال انتشار: ۱۴۰۰ • چاپ و صحافی: چاپخانه بوستان کتاب

• قیمت: ۶۵۰۰۰ تومان • تیراژ: ۱۱۰۰ نسخه • شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۶۸۲-۶۷-۱

© کلیه حقوق محفوظ و مخصوص انتشارات نقد فرهنگ است.

فهرست

۷.....	مقدمه مترجمان
۱۰.....	دغدغه ترجمه این کتاب
۱۱.....	تشکر و قدردانی
۱۳.....	مقدمه
۱۷.....	خدا، فلسفه، دانشگاه‌ها
۱۹.....	فصل ۱: خدا
۲۷.....	فصل ۲: فلسفه
۳۱.....	فصل ۳: خدا و فلسفه
۳۵.....	فصل ۴: خدا، فلسفه، دانشگاه‌ها
۴۱.....	دیباجه‌هایی بر سنت فلسفی کاتولیک
۴۳.....	فصل ۵: آگوستین
۶۳.....	فصل ۶: بوئتیوس، دیونیزیوس مجعول و آنسلم
۷۹.....	فصل ۷: دیباجه‌ای اسلامی و یهودی بر فلسفه کاتولیک
۱۰۵.....	فصل ۸: پیدایش سنت فلسفی کاتولیک
۱۱۹.....	فصل ۹: آکویناس؛ فلسفه و معرفت‌مان از خداوند
۱۳۹.....	فصل ۱۰: آکویناس؛ فلسفه و زندگی عملی

مقدمه مترجمان

السدير مک اینتایر^۱ یکی از برجسته ترین فیلسوفان زنده در حوزه‌ی فلسفه‌ی اخلاق و فلسفه سیاسی است. وی در سال ۱۹۲۹ م. در اسکاتلند متولد شد ولی اغلب عمر فلسفی اش را در دانشگاه‌های آمریکایی سپری کرده است. وی که با نگارش کتاب «پس از فضیلت»^۲ در شمار بنیان گذاران اخلاق فضیلت گرا به حساب آمد، جزو آن دسته از فیلسوفانی است که همچون چارلز تیلور انتقادهای مهمی علیه جریان تاریخی و فلسفی روشنگری وارد کردند. این انتقادهای از این جهت ارزش دارند که به نوعی راه را برای فراتر رفتن از جنبه‌های چهره‌های عامه پسند دانشگاهی و علمی که غالباً با نگرش‌های آتئیستی یا انتقادهای سطحی شان از دین شناخته می‌شوند، باز می‌کند. با همهی این موارد مک اینتایر همواره خداپاواران و پیروان ادیان را به شناختن و یادگیری از این جریان‌های فلسفی منتقد دین‌داری (نظیر مارکس، نیچه و آتئیست‌های داروینی) دعوت می‌کند. کتاب «خدا، فلسفه، دانشگاه»^۳ که یکی از آخرین آثار این فیلسوف و شاید تنها اثرش در ژانر «دانشگاه‌اندیشی» است، وصیتی است که دانشجویان و دانشگاهیان را به جدی گرفتن شک‌ها و سردرگمی‌های فلسفی شان در جریان علم‌پژوهی فرا می‌خواند. چرا که در نظری تنها از پس سردرگمی سقراطی است که یقین و دانش ظهور می‌کند.

این کتاب چکیده‌ای است از تأملات فلسفی او درباره‌ی پیوندهای فلسفی و الهیاتی سنت فلسفه‌ی کاتولیک و نهاد ریشه دار دانشگاه. در این اثر کوتاه،

1. Alsdair Macintyre

2. After Virtue

3. *God, Philosophy, Universities: A Selective History of the Catholic Philosophical Tradition*

مک‌اینتایر خاستگاه‌های مفهومی نهاد دانشگاه را در ربط و نسبت تاریخی‌اش با سنت فلسفه‌ی کاتولیک بررسی می‌کند و چشم‌انداز نسبتاً نوآورانه‌ای برای فهم هر دو پدیده‌ی تاریخی ارائه می‌کند. بدین ترتیب، خدا، فلسفه، دانشگاه لاجرم دو مسیر تاریخی را دنبال می‌کند که در مقاطعی همبستگی‌ها و وابستگی‌های بنیادینی با هم دارند.

نخست، همان‌طور که عنوان فصل اول نشان می‌دهد، مؤلف می‌کوشد برای به دست دادن یک فهم بدیع از چیستی مسیحیت کاتولیک تعبیرها و تفسیرهای الهیاتی مختلف از مفهوم خدا را در فیلسوفان مختلف جستجو کند. به باور مک‌اینتایر، «بهترین راه برای فهم فلسفه‌ی کاتولیک این است که آن را به شکلی تاریخی مطالعه کنیم: همچون یک گفتگویی که پیوسته در طول قرون و اعصار ادامه داشته است». یکی از برجسته‌ترین تأکیدات مک‌اینتایر این است که برای او فلسفه‌ی کاتولیک جایی فراتر از قلمروهای انحصاری یک سنت دینی خاص مانند مسیحیت قرار دارد. توجه ویژه‌ی او به فیلسوفان یهودی قرون وسطی، نظیر ابن‌میمون و دیگر فیلسوفان مسلمان، نظیر ابن‌سینا، فارابی، غزالی و ابن‌رشد، نوعی یادآوری این موضوع است که فیلسوفان غیرمسیحی نقش بسیار مهمی در پیوستگی فلسفه‌ی مسیحیت کاتولیک ایفا کرده‌اند. برای مثال، بازگشت تاریخی ابن‌رشد به آثار ارسطو و احیای ارسطوگرایی در قرون وسطی، در نظر مک‌اینتایر، دین فراوانی برگردن سنت کاتولیسیم نهاده است.

هدف مک‌اینتایر برای طرح این بحث به صورت تاریخی این است که پاسخی در برابر برخی از خدانا‌باوران ارائه دهد که با در افتادن در برخی اشکالات طبیعت‌گرایانه در مفهوم خدا، تکوین تاریخی خدا در سنت فلسفی کاتولیک را نادیده گرفته و پروژه‌ی ایدئولوژیک آتئیسم را با ساده‌سازی این مفهوم جلو می‌برند. بدین ترتیب این بخش از کتاب در واقع دو مخاطب دارد: خدا‌باوران و خدانا‌باوران. مک‌اینتایر خدا‌باوران را دعوت می‌کند تا فعالانه به بنیادها و معناهای آن چه باور دارند در یک افق تاریخی بیندیشند. او همچنین خدانا‌باوران مدرن را به خواندن انتقادی و فعالانه‌ی یک سنت فلسفی دعوت می‌کند که مفهوم خدا نقش مرکزی و

حیاتی در آن دارد. این تصور ساده دلانه که فیلسوفان خداپرست مفهوم خدا را به صورت غیرانتقادی پیش فرض می گیرند، سبب شده است که جریان فلسفی آتنیسم هیچ مشارکت بالنده و سازنده ای در فلسفه ی مدرن یا در زیست اجتماعی و دینی بشر مدرن نداشته باشد.

دومین خط روایی ای که مک اینتایر در «خدا، فلسفه، دانشگاه ها» پی می گیرد، داستان تولد دانشگاه از سنت الهیاتی خدا باوران به ویژه در مسیحیت کاتولیک است. او چندین بار تأکید می کند که علی رغم این که بحث های الهیاتی با مفهوم خدا آغاز می شود، اما دامنه ی آن به قلمرو بحث از طبیعیات، ریاضیات و هنرهای آزاد گسترش می یابد. بدین ترتیب، سخن گفتن از طبیعت همواره مساوق است با سخن گفتن از خدا. از این جهت، در سنت فلسفی خدا باوران، علوم و فنون مختلف دارای نوعی از پیوستگی و یگانگی هستند. این خصلت ویژه ی «یگانگی معرفت» به شکلی تاریخی در نهادهای دانشگاه، هم در سنت اسلامی و هم در سنت یهودی-مسیحی، دمیده شده است. به همین دلیل است که دانشگاه در عربی با «جامع» و در زبان های اروپایی با «ماهم کل و کلی (یونیورس) در ارتباط است. در مدارس دینی نخستین، یک ارتباط و پیوستگی اندام وار و سامان یافته میان رشته های علمی مختلف وجود داشت. دانشجو در دانشگاه های نخستین، در سفر مطالعاتی و معنوی اش، یک حقیقت راهنما و یک برنامه ی پژوهشی بنیادین را در نظر داشت و به دنبال اهداف ریز و درشت شخصی نبود.

اما در نگاه مک اینتایر، دانشگاه در دوران کنونی دچار یک بحران و سردرگمی عمیق است. این بحران در دو فقدان یا نقصان مفهومی ریشه دارد. نخست این که دانشگاه فاقد «یک معنا یا دغدغه ی عمیق برای کاوش در روابط میان رشته های مختلف» است. دوم این که دانشگاه مدرن هیچ فهم مبسوط و اندیشیده ای از رشته های دانشگاهی به مثابه بخش هایی از یک مجموعه که یک پروژه را دنبال می کنند ندارد. در تصویر ایدئال مک اینتایر که آن را از توماس آکویناس وام گرفته است، همه ی رشته های دانشگاهی، به جای این که صرفاً به ثروت افزایی یا توسعه ی آینده ی شغلی دانشجویان بیندیشند، خود را ملزم به مشارکت در پیشبرد یک هدف

مشترک می‌بینند. این جاست که دو خط منطقی کتاب «خدا، فلسفه، دانشگاه‌ها»، با یکدیگر تلاقی می‌کنند. از نگاه مک‌اینتایر، تکوین سنت فلسفی مسیحیت کاتولیک، به نحوی ذاتی در هم آمیخته است با ایده‌ی دانشگاه، به مثابه مکانی برای پژوهش حقیقت جامع. بنابراین، این وظیفه برعهده‌ی دانشگاه‌های سنت کاتولیکی است که راه را برای این فهم انتقادی و جدید از علم مدرن و دانشگاه مدرن بگشایند. اما این به معنای نادیده گرفتن یا انکار جریان‌های فکری سکولار نیست. کاملاً برعکس، مک‌اینتایر به تأسی از توماس آکویناس که اندیشه‌های ارسطو را برای فهم مسیحیت به کار گرفت، دین‌داران را به فراگیری الهام گرفتن از فلسفه‌های سکولار و حتی خداناباور دعوت می‌کند. به علاوه، او باور دارد که عقل تجربه‌گرا و طبیعت‌اندیش علوم طبیعی توانمندی انسان در شناخت جهان و تفکر طحیح را ارتقا داده است. اما در این مسیر شاید یک سنت خدامحور و دینی است که می‌تواند محدودیت‌های عقل تجربی را شناسایی کرده و راهی برای کاستن آزردهی‌های زندگی مدرن بگشاید.

دغدغه ترجمه این کتاب

موضوع دانشگاه و دانشگاه تراز انقلاب اسلامی یکی از مهمترین موضوعات کشور در حوزه آموزش و تعلیم و تربیت است که در سال‌های گذشته مورد توجه بوده است. ایده‌ی ترجمه این کتاب در سال ۹۵ و در حین پژوهشی حول دانشگاه‌های نسل سوم در دانشگاه شریف شکل گرفت. مهم‌ترین موضوعی که آن ایام ما را به خود مشغول می‌کرد این بود که اکثر سیاست‌گذاران و مدیران این حوزه بدون شناخت کافی از فلسفه دانشگاه و سیر تاریخی آن صرفاً به دنبال الگویی به نسبت شبیه دانشگاه‌های نسل سوم در دنیا بودند. حتی برخی از دانشگاهیان حوزه آموزش و فناوری و نوآوری ما نیز بدون در نظر گرفتن این زیربناها به دنبال تبیین الگویی از دانشگاه بودند که بتواند ما را به سرعت در مسیر رشد علم و فناوری همانند دانشگاه‌های برتر دنیا قرار دهد، در صورتی که تبیین هر الگویی نیازمند شناخت و درک کافی از فلسفه آن موضوع است. با این دغدغه در مسیر پرپیچ و خم ترجمه

این کتاب گام نهادیم. این کتاب پس از ترجمه قرار بود توسط یکی از انتشارات‌ها در همان سال چاپ شود که متأسفانه چاپ آن برای دو سال به تأخیر افتاد تا در نهایت تصمیم گرفتیم چاپ آن را به مجموعه دیگری واگذار کنیم. مسائل دیگر در حوزه مالی صنعت نشر و برگزار نشدن نمایشگاه کتاب در سال ۹۹ به دلیل بیماری همه‌گیر کرونا، باعث گردید چاپ آن مجدد به تعویق بیفتد تا در نهایت با حمایت انتشارات نقد فرهنگ»، چاپ این کتاب عملی شد.

تشکر و قدردانی

پیش از هر چیز بر خود لازم می‌دانیم از کمیسیون تعلیم و تربیت شورای عالی انقلاب فرهنگی که جرعه ترجمه این کتاب در آن جا خورد و به ویژه سرکار خانم دکتر جمیله علم‌الهدی تشکر نماییم. در مسیر ترجمه این کتاب، آقای دکتر میثم سفیدخوش با بیان نکات ارزنده خود به ما کمک فراوانی کرده‌اند که قدران محبت‌های بی‌منت‌شان هستیم. همراهی اندیشکده مهاجر دانشگاه شریف و پژوهشکده سیاست‌گذاری علم، فناوری و نوآوری دانشگاه شریف در این پروژه راهگشای برخی از مشکلات ما بود که از هردو مجموعه و مدیران آن به خصوص جناب آقای دکتر علی ملکی و دکتر جمال کدخدایور تشکر می‌نماییم. در بازبینی متن سرکار خانم رقیه عالی‌زاده کمک‌های بسیاری نموده‌اند و ویراستاری آن توسط آقای بهنام بیرامی انجام شد که نگاه ریزبینانه ایشان کمک زیادی به روانی متن و رفع مشکلات نگارشی و ویرایشی آن نموده که از هردو عزیز سپاس‌گزاریم. چاپ این کتاب بدون لطف انتشارات نقد فرهنگ و آقای دکتر بیژن عبدالکریمی ممکن نبود که صمیمانه از ایشان ممنونیم.

با تمام دقتی که مترجمان سعی کردند در ترجمه داشته باشند، بدیهی است که کتاب پیش رو خالی از اشکال نیست. امید است خوانندگان محترم ضمن پوزش بابت این اشکالات، ما را از نقطه نظرات خود بهره‌مند سازند.

عرفان مصلح - عطا حشمتی

مرداد ۹۹